

البته برای انجام این امر لازم است عمل خارق العاده می صورت پذیر شود و چون تا بحال چنین خرق عادتی عملاً مشاهده نشده این است که در نتیجه آسمان و دا با شهر خدایان برای همیشه بدون سکنه باقی خواهد ماند.

زیرا کدام يك از اجسام مادی ممکن است وزن مخصوص خود را از دست داده قابل صعود و حرکت در فضا گردد.

باین سؤالات مبهم مرموز که به اشکال مختلفی در نزد اشخاص راجع بسروشت ماده پس از مرگ پدیدار شده بود پیروان ردا چنین جواب می دادند: که پس از مرگ جسم انسان تجزیه و هر يك از عناصر مختلفی که در تشکیل آن شرکت داشته اند بسوی اصل خود بر میگردند. مثلاً نور چشم که ماده منوری بوده جزء خورشید شده و تنفس که از هوا گرفته شده به هوا بر گشته.

خون یعنی شیرۀ حیاتی موجودات که نباتات را پرورش داده عضلات و استخوانهای بدن از آن تقویت میشود گرد شده و با خاک مخلوط میگردد بالاخره آسمان وزمین بنوبه خود آنچه را که متعلق بهر يك از آنها بوده جذب میکنند هم چنین آب و نباتات هم هر کدام سهمی از جسد انسانی میبرند در نتیجه بدن مادی بهر سو پراکنده و متفرق شده و تمام موادی که بدن زنده بشری را تشکیل میداد و اکنون از حیات محروم مانده در عالم پهناور هستی برای ساختن اجساد دیگری منتشر شده و بکار میروند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بنابر این اصل هیچ چیز از بین نرفته و معدوم نمیشود در این موقع روح فنا نا پذیر که مقدس و پرهیزگار از دنیا رفته برای دریافت اجر و پاداش خود بطرف فضای غیر قابل ادراک، بلند شده در آنجا از افتخارات و سعادت ابدی متمتع و بهره مند میگردد.

پس آن بشری که در خور سکونت سر منزل خدایان بوده و میتواند به آسمانها پرواز نماید بشری است که این جسم ظاهری را ترك گفته و با جسم لطیف روحی بسوی ابدیت و نیکبختی پرواز میکنند.

پیروان این عقیده معتقد بودند: بشر حقیقی بعبارة آخری آن موجودی که

لیافت بر گشت بسوی خداوند را داشته و صاحب جذبۀ ملکوتی است در زیر پوشش دوم جسم ظاهری قرار گرفته یعنی پوست بدن را پوشش اول و عضله را پوشش دوم به حساب می آورند همانطوریکه نور دیدگان بخورشید و تنفس انسانی بهوا و گوشت بدن بسوی خاک برگشت میکنند بازگشت روح هم بطرف خداوند است و همین روح باز دارای بدنی است رقیق و درخشان که تشعشع آن جسم لطیف از نظر ضعیف زندگان پنهانست

و همین جسم لطیف است که باقامتگاه ملکوتی برده میشود هرگاه خدای بزرگ از کردار این روح راضی و خوشنود باشد بدن بسیار درخشانی باو داده میشود که روح را در آن جسد نورانی بسوی خدایان برند یکی از سرودهای مذهبی هند در کتاب بودا این فرضیه را بطریق دعا چنین بیان کرده

«خدایا بجلال و شوکت خودت بسط داده و بمردگان بدن تازه درخشانی بخشای که در آن بدن با خواست و اراده تو بسوی ملکوت برده شوند»
 که چه نمیتوان بطور تحقیق گفت که این تصور دقیق و تقریباً مقرون بصحت در موضوع روح و بدن روحانی از چه تاریخی در میان مردمان آن زمان پیدا شده ولی از همین مصراع و سوابق تاریخی دیگر بخوبی می توان پی برد که هندی ها از (۳۵۰۰) سال پیش بوجود پراسپیری قابل بوده اند

جای بسی تأسف است در این عصر که همه گرفتار زندگانی مادی هستند يك چنین حقیقت واضحه که از ادوار ما قبل تاریخ در میان سکنه آن روز متداول و معمول بود. مردم امروز با این ترقی علم و دانش آنرا انکار کرده و تازه در موضوع حقیقت آنهم اعتراضاتی داشته باشند

در هر حال امتحانات و بررسی های اخیر، علمای این فن را موفق داشته که به جسم کامل ارواح را دیده و از روی آنها عکس برداری نمایند بطوریکه بعداً مشاهده خواهیم کرد این عکس ها نشان میدهد که پراسپیری هم مانند جسم ظاهری يك حقیقت مثبت غیر قابل انکاری است.